

سیر تحول

لباس زنان از دوره ی ایلامی تا عصر حاضر

گردآوری و پژوهش: ناهید زندی

پاییز 1401

چکیده :

مقاله حاضر به منظور بررسی و نگاه کلی به پوشش زنان ایرانی در ادوار مختلف تاریخی می باشد در واقع نقطه آغازین آن دوره ایلامی بوده و تا دوره پهلوی را در برمی گیرد، که گویای روند کلی پوشش زنان با توجه به وظایفی است که آنان برعهده دارند و به نوعی بازتاب تفکر و بینش زنان در ورطه های مختلف زمانی می باشد اگرچه که براساس مستندات تاریخی ، سفرنامه نویسان و هنر نگارگری که می توان به نکات بسیاری در این خصوص دست یافت ولی خود بیانگر انواع پوشش و لباس های زنان و بازتابی از وضعیت اجتماعی و فرهنگی آنان در طول تاریخ است.

واژگان کلیدی : سلسله های تاریخی ، پوشاک زنان ایرانی ، جنس لباس ها ، هنر نگارگری ، طبقات اجتماعی زنان

مقدمه

دانستن این نکته بسیار ضروری است که جوامع انسانی زمانی مفهوم کلیتی را بیان می دارند که در واقع دارای نموده های فرهنگی می گردند ، و یکی از این نمودها ، نحوه پوشش و لباس انسانها می باشد، زیرا که این امر خود گویای بسیاری از زوایای زندگی و آداب و رسوم و تعلقات ذهنی و باورهای آنان در آن مقطع زمانی می باشد، و از این روست که با شناخت جزئیات و ویژگی های پوشش در طول تاریخ علی الخصوص زنان می توان به بسیاری از نکات حائز اهمیت که پنهان در مرزهای زمانی و تاریخی ، ناگفته و مسکوت مانده اند پی برد . در این جستاری که پیش روست به نگاهی کلی اما با دقت به نحوه پوشش زنان ایرانی در ادوار تاریخی پرداخته شده است تا بتوان با دیدی موجزتر به شناخت و درک مطلوبی از این دست بافته های هنری و ذهنی بشر نوین دست یافت.

پیشینه پارچه بافی در ایران

طبق آخرین اطلاعات به دست آمده به وسیله کارلتون کون از حفاری های غار کمر بند نزدیک بهشهر ، از اوایل هزاره 6 پ.م الیاف کربونیزه شده ای پیدا شده که مبین آن است که در آن زمان پارچه بافی رایج بوده است ، در ضمن دوک های سفالی یافت شده از لایه دوم سیلک در کاشان در هزاره پنجم ق.م و همچنین مهره های استوانه ای مربوط به هزاره چهارم ق.م این مطلب را تایید می کند که هنر بافتن در ایران پیشینه طولانی دارد و از هزاره ششم پ.م به تدریج تکامل یافت و در دوران تاریخی که از هزاره سوم پ.م در ایلام همزمان با کاربرد خطوط تصویری Pictographic می باشد، به روند تکامل خود ادامه می دهد و حتی آثار کربونیزه شده به ترتیب قدمت در شوش چهارم ، سوم ، دوم اثراتی بر روی پوشش اشیای یافت می گردد

همچنین در شهر سوخته 2900-1900 ق.م و مارلیک اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول و حسنلو قرن 9 پ.م نیز آثاری بدست آمده که خود گویای صبغه طولانی و کهن استفاده از هنر پارچه بافی و الیاف در ایران می باشد. (غیبی 1384، ص 62)

پوشاک زنان ایلامی

تمدن ایلام بخشی از گستره عظیم فرهنگی و تاریخی ایران را در برمی گیرد که دارای ابعاد و زوایای متنوع و غنی در درون خود می باشد و از لحاظ زمانی از سه هزار تا یک هزار پ. م را در برمی گیرد و در این میان زنان ایلامی نقش بسزایی در شکل گیری این فرهنگ داشته است و پوشاک زنان با توجه به موقعیت اجتماعی شان تعیین می گردیده است که شامل ایزد بانوها ، نیایشگران ، ملکه ها و زنان شاغل و خدمه ها تقسیم می شده است .

الهه ها

اولین گروه : الهه ها که دارای والاترین مقام در جایگاه باورها و اعتقادات مردمان ایلامی بوده اند، و در راس آنان الهه پی نی کی ر ، است که برتری این باور خود گویای نظام مادر سالاری در تمدن ایلامیان در هزاره دوم پ. م می باشند، از روی صدها پیکرک گلی زنان می توان به نحوه پوشش آنان پی برد که نحوه پوشش آنان بر اساس موقعیت اجتماعی شان متفاوت بوده است ، پوشاک الهه ها شامل موارد زیر می گردیده است :

الف : لباس ساده : که فاقد هرگونه نقش و نگار تزیینی بوده است (تصویر 1)



تصویر شماره 1

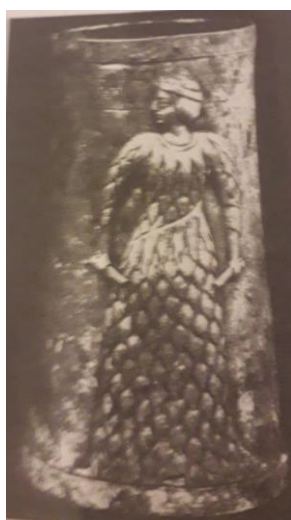
ب: لباس چیندار و مطبق کائونکس *Kau-nakes*: که شامل لباس پوستین یا پشمین بوده اند و مخصوص الهه های بین النهرینی و همچنین منطقه ایلامی می شده اند، لباس مذکور از پیراهن و دامنی پرچین و بلند تشکیل شده است و آستین

لباس در دو اندازه کوتاه و بلند بوده و خود لباس به اندازه ای بلند بوده که کاملاً "مچ پاها را می پوشانیده است. (تصویر 2)
زندى 1397:ص49)



تصویر شماره 2

پ: لباس با تزئینات فلس دار : این لباس دارای نقش و نگار فراوان و تزئینات فلس مانند بوده است ، لباس مذکور شامل نوع پیراهن و دامن می باشد ، در 2250 ق.م فلس های لباس به صورت لوزی های نوک تیز بوده ولی در قرن 13 ق. م این نقوش رنگ طبیعی تری را به خود گرفته و به صورت اشکال مربع در سطح دامن الهه آب ها ظاهر می گردند. (تصویر 3)



تصویر شماره 3

ت: لباس شال دار : شکل ظاهری لباس این طور بوده که روی دامن لباس یک شال بلندی تا زیر زانو قرار گرفته است (تصویر 4)



تصویر شماره 4

نیایشگران

جایگاه اجتماعی نیایش گران در ردیف دوم جامعه قرار دارد آنان با توجه به شغل و حرفه به دو دسته تقسیم می شوند: (1) نیایشگران عادی (2) آورندگان قربانی یا هدیه

نیایشگران عادی : زنانی بودند که به احتمال قوی وظیفه اصلی آنان در معابد ، ستایش گری یا نیایشگری بوده است و به غیر از وظیفه مذکور فاقد شغل یا پیشه دیگری بوده اند. نوع پوششی که نیایشگران عادی ایلامی مورد استفاده قرار می دادند به یک دسته اصلی یعنی لباس شال دار تقسیم گردیده است، که عبارت است از یک پیراهن شال دار به طوری که یک شال بلند تا روی زانو می رسد ، روی دامن لباس قرار گرفته است.

آورندگان قربانی یا هدیه: دسته دیگری از نیایشگران دوره ایلامی ، زنانی بوده اند که شغل آنان علاوه بر نیایشگری ، قربانی یا هدایا به معابد بوده است به احتمال این گروه از نیایش گران به دلیل داشتن چنین موقعیتی بر مقام نیایش گران عادی ایلامی ارجحیت داشته اند. نوع پوشش آورندگان قربانی به یک دسته پیراهن تقسیم می شود که عبارت است از یک پیراهن بلند و گشاد که تا حدودی شباهت به لباس کیمونو ژاپنی ها دارد. (تصویر 5)



تصویر شماره 5

ملکه ها

سومین گروه از طبقات اجتماعی - سیاسی ایلامی ها ، بعد از الهه ها ، نیایشگران ، ملکه ها و شاهزادگان می باشند ، که آنان از لحاظ منزلت اجتماعی در ردیف پادشاهان این قوم بوده است . ملکه ها و شاهزادگان بعد از الهه ها و نیایشگران از نظر اجتماعی جایگاه سومی را برای خود کسب کرده اند، پوشش و لباس ملکه ها به چهار دسته تقسیم می شود:

(1) لباس بلند چین دار: اولین لباس ملکه های ایلامی به سه دسته فرعی تقسیم می شود:

الف : لباس بلند باچین عمودی که تا روی پا می رسد

ب: لباس مطبق بلند شامل دو طبقه چین و یک باند مزین میانی

ج: لباس چیندار و مطبق بلند با سه ردیف چین روی هم

(2) لباس بلند با یک شال مزین : لباسی است با تزیینات برجسته و مجلل این لباس تشریفاتی ترین لباسی است که برازنده ملکه های ایلامی در عصر طلایی اونتاش گال پادشاه دوره ایلام میانی بوده است. همیشه زنان پادشاهان در طول تاریخ به دو دلیل خاص یعنی داشتن ثروت و منزلت اجتماعی ، گرانبها ترین لباس ها را می پوشیده اند (تصویر 6)



تصویر شماره 6

3) لباس تونیک و شلوار: تونیک روی شلوار قرار گرفته که ظاهراً بلند و گشاد می باشد و شلواری که زیر تونیک و تنبوش مذکور پوشیده شده از بالا تنگ و به تدریج به طرف پایین و پاچه گشادتر می شود. این لباس به احتمال مورد استفاده شاهزادگان در سنین پایین بوده است.

4) لباس بلند و ساده: این لباس بدون نقش بوده و بلندی آن به اندازه ایست که پاها را کاملاً می پوشانیده است.

زنان شاغل

چهارمین گروه از طبقات اجتماعی زنان ایلام زنان شاغل بوده اند.

براساس شواهد میتوان به این نکته اذعان نمود که این زنان همراه خود چنگ و تار و یا دوک نخ ریزی دارند و براساس نوع وسیله ای که داشته اند، میتوان هنر و پیشه آنان را مطرح نمود:
زنان شاغل از نظر شغل به سه دسته تقسیم می شوند:

1) موسیقی دانان: آنان براساس نوع وسیله و ادوات موسیقی به دو دسته تقسیم می شوند:

الف: تارزن: یکی از گروه های موسیقی دانان ایلامی تار زن بوده اند و با وسیله ای بنام تار سرو کار داشته اند لباسی که مخصوص تار زنان بوده شامل یک پیراهن بلند و گشاد که شباهت زیادی به لباس آورندگان قربانی دارد، بوده است. (تصویر 7)



تصویر شماره 7

ب: چنگ نواز : دومین گروه از موسیقیدانان ایلامی چنگ نوازی بوده اند که بر عکس تار زنان با ادوات موسیقی از نوع چنگ در آثار ظاهر شده اند . پیراهنی که به احتمال خاص موسیقیدانان خواه نوازنده چنگ ، خواه تار زن بوده است و بصورت یک پیراهن بلند و گشاد است که شباهت به کیمانوی ژاپنی ها دارد.

2) ریسندگان : باتوجه به نقوش کنده کاری شده روی اثر زن ریسنده که بسیار مجلل می باشد، مشخص است که ریسندگی در ایلام از اهمیت زیادی برخوردار بوده است . زن ریسنده تنها یک لباس بلند مزین با یک شال ملیله دوزی داشته است. این شال تزیینی به شکل عمودی بر روی شانه ها قرار گرفته است.(تصویر 8)



تصویر شماره 8

3) خدمه: آنان جایگاه پایین تری داشته اند و وظیفه اصلی اشان بردگی کردن برای افراد صاحب مقام بوده است، پوشش خدمه از نوع لباسی ساده بوده است. لباس ساده و بدون نقش و نگار که کمربندی پهن مزین با نقوش زیگزاگی آن را بر قامت می چسباند. (ایزاک، ژول 1363)

زنان عادی

مانند دیگر جامعه های آن روزی همیشه آخرین طبقه و گروه از نظر منزلت اجتماعی به مردم عادی اختصاص داشته است که همیشه از مزایا و احترام کمتری نسبت به طبقات بالاتر از خود برخوردار بوده اند.

دو نوع لباس مورد استفاده زنان عادی ایلامی بوده است:

لباس ساده: اولین و قدیمی ترین لباس مورد استفاده زنان عادی ایلامی، لباس و پوشاکی از نوع ساده که که معمولاً "کوتاه و تنگ بوده و گاهی هم کمربندی روی آن قرار گرفته است.

لباس بلند مزین با یک شال تزئینی: این نوع لباس به احتمال ضعیف در میان طبقه زنان عادی ایلامی مرسوم بوده که شال به طور عمودی روی شانه سمت راست قرار گرفته است. (ضیاء پور، جلیل 1347)

پوشاک زنان مادی

در هزاره دوم ق.م، مردمانی وارد سرزمین ایران گشتند که در شکل گیری بنیان فرهنگ ایران زمین نقش اصلی و بسزایی داشته اند، این مردمان توانستند اساس فرهنگ و تمدن سلسله های تاریخی را شکل دهند که با ادبیات و داستانهای کهن ایران زمین همسانی دارند، در اولین اتحاد شکل گرفته توسط اقوامی به نام ماناها در جنوب دریاچه ارومیه امروزی شهرهایی شکل می گیرد که بعد از آنان مادها و هخامنشیان می باشند و دست ساخته های بسیاری از خود بر جای می گذارند که بر اساس یافته های باستان شناسی مادها در هزاره اول پ.م یعنی در عصر آهن موفق به پارچه بافی می شوند و در این میان نقش زنان دارای اهمیت بسزائی می باشد، زنان مادی نیز همانند مردان مادی از پیراهن، شلوار، شل، کفش و کمربند استفاده می کرده اند، و نقش برجسته ای در کورنگان بهبهان زنان با تن پوشی ساده نشان داده شده اند، با وجود این که این نقش برجسته مربوط به دوره ایلام میانی می باشد ولی نمایش الهه زن و مرد و نوع پوشش سرشان مبین آن است که این تن پوش ها باید مربوط به دوره هخامنشیان باشد، و زنانی هم که در این صخره نقش شده اند همگی دامن هایی برتن دارند که کوتاه است و یادآور زنان مادی در نقش های آشوری در نینوا است. در نقش برجسته اصلی از زن مادی که مربوط به هزاره اول پ.م است پوشاک زن مادی دیده می شود در حالیکه پیراهن بلند با آستین کوتاه برتن دارد و حاشیه پایینی پیراهن دارای شرابه های تزئینی و آویزان است و در حالیکه در دستانش می باشد به تصویر کشیده شده است. (تصویر 9)



تصویر شماره 9

زنان مادی نیزمانند مردانشان از پیراهن ، شلوار ، شنل ، کفش و کمر بند استفاده می کرده اند البته آثاری هم از این دوره به دست آمده است ، مادها به عنوان قومی سوار کار پیراهن دوخته شده خود را همواره با شلوار می پوشیدند که بعدها پارسیان نیز پوشیدن شلوار را از آن اقتباس نمودند، مورخانی چون استرابون ، هردوت و غیره در کتاب هایشان در این مورد بسیار نوشته اند (متین ، 1396ص57)

با تکیه بر نقوش برجسته برجامانده از این دوران که شباهت پوشاک زنان و مردان مادی را نمایان می سازد می توان اشاره نمود که این مردمان 3 نوع شلوار می پوشیدند:

1- شلوار به شکل شلوارهای تنگ رکاب دار امروزی (Strech) بود که در نقوش تخت جمشید و پاسارگاد کمی گشادتر و بلندتر روی کفش را می گرفت و با رکابی در زیر کفش دیده می شود، گاهی رکاب ها در جلوی دمپای شلوار به هم می رسیدند و گاهی از درزی به درز دیگر شلوار متصل می شدنداین رکاب سبب می شد که شلوار هنگام سواری و یا شکار به بالا کشیده نشود همان طور که امروز شلوارهای کشی با استرچ های رکاب دار در هنگام ورزش مورد استفاده قرار می گیرد.(ضیاء ، 1343)

2- نوع دیگر شلوار که در نقوش تخت جمشید دیده می شود شلواری است با همان فرم با چین های افقی که کناره های درزهای شلوار جمع می شوند و این نوع شلوار هم چنین در تن پوش مجسمه ی یکی از بزرگان مادی با باشلق و شنل بلند آستین دار مشاهده می شود .

در کتاب پوشاک در ایران زمین نیز آقای شاپور شهبازی به این نوع شلوارهای چرمی و رنگین اشاره کرده اند و نیز گاهی شلوارهایی تنگ وچسبان تا مچ پا بدون رکاب و یا کوتاه تا سر زانو به هنگام سواری مورد استفاده قرار می گرفت.(غیبی 1385)

گفتنی است که مادها بخش قابل توجهی از فرهنگ پوشش آشوریان بویژه پوشش زنان را اخذ نمودند سرپرسی سایکس درباره تجمل پرستی و شکوه دربار ماد نوشته است: تفضیلی که درباره ماد نقل شده، تشریفات مفصل و هزاران خادم و البسه ارغوانی درباریان و زنجیرها و گردن بندهای طلا و تجملات وافر آنها معلوم می دارد که تزئیناتی به تقلید دربار آشوریان داشته اند.

به گفته آقای ضیاء پور، در کتاب هگمتانه از حفریاتی که در همدان شده و آثاری که از طلا کاری مادی بدست آمده به تفضیل یاد شده است، از جمله درباره زنگوله های تزئینی شرح جامع دارد و مورد استعمال آن نیز احتمال داده شده است، (32 عدد زنگ کوچک طلا ظاهرا" در طرف داخل و پایین دامن لباس یا در نزدیک لبه شلوار یا در محل های دیگر لباس بانوان می دوخته اند و هنگام راه رفتن صدای آهسته آنها بر تجمل و زینت صاحب لباس می افزوده است تنها یکی از 33 زنگ دارای آویز است و با حرکت دادن زنگ صدای خفیف و مطبوعی شنیده می شود و بالای دو عدد آنها هم جای دوختن زنگ را به لباس دارد و آویز و حلقه بقیه زنگ ها از بین رفته است.)

پوشاک زنان هخامنشی

پارس ها توسط کوروش، دولت ماد را از میان برداشته و سلسله هخامنشی را تاسیس کردند آنها از نظر لباس همانند مادها بودند. در دوران هخامنشی ابنیه شناخته شده ایرانی، تصویری از زنان را ارائه نمی دهند بدین لحاظ شناخت بسیار کمی از جامه آنان در دوران مادها و هخامنشیان وجود دارد. با وجود این، تصاویر قلیلی از آنان در آثاری نظیر: پارچه ای در پازیریک، مهرهای یونانی - ایرانی، یادبنای ساتراپ، ابنیه ارگیلی، در شمال غربی آناتولی و گلدان های فلزی کوچک به چشم می خورد. برخی اشارات نیز از سوی نویسندگان عهد کهن صورت گرفته، از جمله آنها، اشاره کتزیاس پزشک یونانی به جامه (سارا پیس) متعلق به پریزاد مادر اردشیر دوم می باشد. در مورد پوشاک خاص زنان این دوره آمده است: (از روی برخی نقوش باقی مانده از آن زمان، به زنان بومی برمی خوریم که پوششی جالب دارند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند، یا دارای راسته چین و آستین کوتاه است. به زنان دیگری در آن دوره نیز برمی خوریم که براسب سوارند. اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود افکنده و در زیر آن، یک پیراهن با دامن بلند و در زیر آن نیز، پیراهن بلند دیگری تا مچ پا نمایان است. نقوش زنان مبین آن است که آنها معمولا" لباس درباری چین دار و کیتون پر حجم (ایونی) به تن می کردند. گاهی مواقع چنانچه در "مجسمه های ارگیلی" و "یاد بنای ساتراپ" دیده می شود. زنان بالا پوشی چون چادر امروزی که سرو گردن را می پوشانید به سر می کردند شایان توجه ترین مدرک بدست آمده در مورد لباس زنان دوره هخامنشی، البسه واقعی پیدا شده در مقبره پازیریک است.

(تصویر 10)



تصویر شماره 10

البسه بیرون آمده از زیر خاک، شامل شنل یا خفتانی است کوتاه از پوست سنجاب که داخلش با خز مفروش و لبه هایش با نواری از پوست کره اسب، درست شده است و آستین های باریکی دارد که با تکه های موزون چرم دباغی شده، آراسته شده اند. از موارد دیگر، باشلقی است دو لایه از چرم ظریف که با پوست سیاه کره اسب، پوشانده شده و توسط قطعات چرمی متوازی الاضلاع، تزیین شده است که بر روی شانه ها قرار می گیرد، و سرانجام اینکه دو جفت چکمه نیز پیدا شده است. یکی از آن دو، لبه و رویه ای از چرم ظریف و قرمز رنگ دارد که به زیره دوخته شده و سطح زیرین آن با نقوش فوق العاده تزیین شده است. دیگری چکمه ای تا زانو با لبه ای پهن از پوست پلنگ، رویه ای چرمی و زیره ای سفت و کلفت از چرم، که سطح زیرین آن مزین می باشد، ظاهراً "سرتاسر امپراتوری هخامنشی از مد واحد پیروی می شده است و زنان اشراف چشم به دربار تخت جمشید داشته اند و می کوشیده اند از لباس پر بهای درباری تقلید کنند. برای نمونه به نگاره های از سنگ آهک که از مصر به دست آمده و امروزه در موزه بروکلین نگهداری می شود نظری می افکنیم

، این نگاره زنی را با لباس چین دار هخامنشی نشان می دهد. چین های افقی جلوی لباس و پارچه ای که به خورد چین ها داده شده و تشکیل قوس های مکرر داده است، به وضوح همانی است که در لباس هخامنشی ی در نگاره های تخت جمشید می بینیم. این لباس برش زیبایی دارد و در قسمت پشت تا زمین آویخته است، آستین ها نیز برش گشاد و آویخته دارد (تصویر 11)



تصویر شماره 11

بنابر شواهد موجود در سوریه نیز از مد هخامنشی تقلید می شد مثلاً " تندیس هایکوچک الهه هایی ظاهراً" در حال زایمان از گل پخته، که به تعداد بی شماری در معبد های ایشتر به دست آمده ، در زمان هخامنشیان لباسی بر تن دارند که رکه هایی از لباس چین دار هخامنشی در آن دیده می شود. در میان آنها حتی نمونه هایی از الهه هایی دیده می شود که لباسشان به طور کامل لباس دربار هخامنشی است ، حتی حاشیه هایی که قطعات مختلف لباس را از هم جدا می کند شبیه لباس هخامنشی است و در دست الهه یک گل نیلوفر به چشم می خورد ، علاوه بر این الهه کلاهی بر سر دارد که بیننده را به یاد کلاه شاه در تالار بار می اندازد این کلاه در اینجا با نقش زیگزاگ تزیین شده است . همین لباس بر تن بانوان متشخص و ندیمه های ایشان بر پارچه گوبلنی نقش شده که در جنوب روسیه و در گورکان پازیریک پیدا شده است برای لباس خانم ها در مقایسه با لباس ندیمه هایشان پارچه بیشتری به کار رفته است. این تفاوت را می توان از حاشیه های کنار لباس و نقش آستین ها تشخیص داد. این دیوار آویز متعلق به دوره هخامنشی شناخته شده و تاریخ آن قرن چهارم ق. م است. همین صحنه در هریک از چهار گوشه تصویر شده است . زنان لباس بلند و تزیین شده به تن دارند. هر چهار زن توری به سر دارند که از پشت سر آویزان است. دو زنی که نزدیک تر به عود سوز ایستاده اند تاج بر سر دارند مو هایشان محکم بسته و پشت سرشان جمع شده است و یک دست به علامت خوشامد گویی بلند است ضمن اینکه در دست دیگر گلی (نیلوفر) قرار دارد . به کلاه کنگره دار در بالا اشاره کردیم روی این کلاه چادری نیز پوشیده شده است. در اشیاء متعلق به گنجینه جیحون نیز زنانی با لباس پارسی شناسایی می شوند. بر یک مهر استوانه ای شکل از جنس سنگ یمانی متعلق به قرن 5 ق. م زنی نقش شده که بر تخت سلطنت با شکوهی نشسته است و پاهایش روی چهار پایه کوچکی قرار دارد او لباس پارسی با تور و تاج کنگره دار به تن دارد و در دست راستش یک گل است در مقابل او زنی کوچکتر پرنده ایی را به سوی او آورده و زن سوئی پشت یک عود سوز ایستاده است زن سوم مانند زن بر تخت نشسته تاج و تور بر سر دارد. تصویر 12



تصویر شماره 12

در واقع لباس زنان سلطنتی هخامنشی از پیراهن بلند چین دار که در حاشیه ها دارای تزئینات می باشد و از ناحیه انتها بر روی زمین کشیده می شد و همچنین یونانی ها اشاره می کنند که هخامنشیان شلوارهای گوناگونی استفاده می کردند ویژگی جالب این شلوارها رنگین بودن آنها بوده و یونانیان آن را (آناکسی ریدیس) نام نهاده بودند که زنان نیز آن را می پوشیدند، کفش های چرمین با نوکی به عقب برگشته نیز بر پا می کردند.

پوشاک زنان در دوره سلوکیه

تاریخ سلوکی (330-150 ق.م) می باشد سلو کوس جانشین اسکندر در ایران شهر سلوکیه را در نزدیکی بابل ساخت پس از چیرگی بر شهرهای ایران به هندوستان رسید و در آنجا چندره گوپتا پادشاه هند آثاری با تلفیق هنر یونان ساختند که نشان از نفوذ فرهنگ تازه واردین به این کشور بوده است. نقش برجسته ها و مجسمه های دوران باستان نشان می دهد پوشاندن سر و موها پیشینه تاریخی دارد. در یونان باستان زنان هنگام حضور در اجتماع ، سر و اندام شان (تا روی پاها) را می پوشاندند. حضور زنان در سطوح بالای اجتماعی ، ارزان در دسترس نبودن ، پاک و طاهر ماندن ، اعتقادات مذهبی و تامین امنیت مهم ترین دلایل پوشیده تر بودن لباس زنان در طول تاریخ است.

گفتنی است یونانیان باستان لباسهای دستباف و رنگی می پوشیدند که از لباس مصریان تاثیر گرفته بودند، لباس زنان به انواع زیر تقسیم می گردند:

- 1) چیتون (chiton): این لباس به عنوان یک پیراهن آستین کوتاه توسط زنان در یونان باستان پوشیده می شد و در عهد عتیق تا عصر هلنیستی به محبوبیت رسید. این تکه لباس مستطیل شکل به روشهای مختلف به دور بدن پیچیده می شد، روی شانه با سنجاق محکم می شد این لباس دو نوع داشت: آستیندار و بدون آستین که در بین کاهنان و بازیگران بسیار طرفدار داشت. تصویر 13



تصویر شماره 13

(2) پپلوس (peplos): این لباس بلند بیشتر برای زنان در یونان باستان رایج بوده در اواسط عصر کلاسیک، حدود 500 ق.م یکی از محبوب ترین لباس ها در میان زنان بود. یک لباس بلند و لوله ای شکل که دختران جوان در مراسم یونان باستان آن را به تن می کردند. تصویر 14



تصویر شماره 14

(3) هیماتیون (Himation): این لباس خاص برای اولین بار در قرن ششم ق.م پدیدار شد. هم زنان و مردان می توانستند از این لباس استفاده کنند و آن را روی چیتون یا مثل کلامیس به تن کنند. هیچ بقایایی از این لباس وجود ندارد ولی می توان از روی مجسمه ها و نقاشی ها فهمید که معمولاً "به رنگ روشن تهیه و طرح های پیچیده ای روی آثار نقاشی می شده است. مردان گاهی هیماتیون را به تنهایی می پوشیدند ولی برخی آن را روی چیتون به تن می کردند. به صورتی که بازوی سمت چپ مردان از زیر لباس نمایان

می شد این نشان بربریت بود و به همین دلیل بسیار مراقب بودند که بازوی چپشان بیرون نیفتد. (تصویر

15)



تصویر شماره 15

4) حجاب : هرچند حجاب یکی از سنت های شرقی هاست ولی براساس چیزی که از مجسمه های یونانی می توان فهمید، زنان یونان باستان سر و صورت خود را با حجاب می پوشاندند.

5) زنان یونانی دارای سرپوش کلاه شکل گرد و حباب مانند بودند، صندل های چرمی با بندهایی بود که از چرم ضخیم یا چوب است بر پا می کردند.

هرگاه در فرم تن پوش های دوره سلوکی و تزئیناتی که برای آن قایل شده اند دقیق شویم به شلوغی و انسجام نداشتن موتیف ها (طرح تزئینات روی پارچه لباس) و به طور کلی برش و دوخت تن پوش ها که تفاوت فاحشی با دوره هخامنشی دارد ، در این دوران می توان پیکره های برنزی آتنا (الهه یونانی را با لباسی که همانند لباس یونانیان شکل خاص ندارد مشاهده کرد یک نمونه از این پیکره ها ، تندیس مکشوف از نپاوند مربوط به قرون سوم و دوم ق.م است. (تصویر 16)



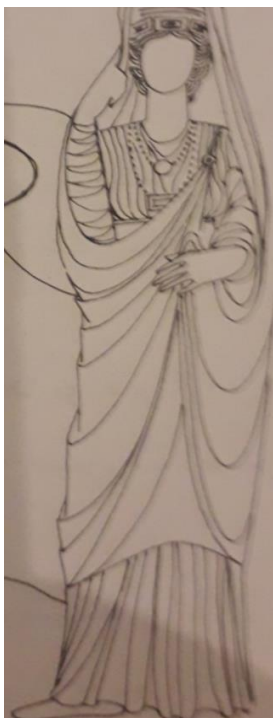
تصویر شماره 16

باید توجه داشت این پیکره ها که سبکی یونانی دارند، لباس تنها یک پوشش محسوب نمی شود بلکه پیش از آنکه بخواهد بدن را از نظر پنهان دارد، به خطوط آن شکوه و وقار می بخشد. با این وجود پارسیان در این دوران سعی کردند پوشش خود را حفظ کنند کما اینکه پس از برافتادن سلوکیان ، احیای سنت های پوشش در ایران را شاهد هستیم.(کالج 1380) در واقع زنان سلوکی همان تن پوش چیتون chiton که کتان ظریف است را به پپلوس Peplos نوعی لباس پشمی و سنتی بوده ترجیح می دادند و آنان از نوعی گیره موی به نام (ملخ طلائی) استفاده می نمودند. و قتی یونانیان با همه دشواری ها بر تهاجم ایرانیان که آزادی شان را به خطر انداخته بود پیروز شدند، واکنشی علیه این الگو پذیری از شرق شکل گرفت . ربع دوم قرن پنجم پ.م شاهد بازگشت هم زنان و هم مردان آتنی به لباس چیتون chiton پشمی سنتی بود که به خاطر پیوند با اسپارت ها (دریایی) (Dorian) نامیده می شد هر چند که چیتون chiton کتان ظریف ایونایی هیچ گاه به طور کامل از سکه نیفتاد. اسکندر مقدونی بنیان گذار یک سبک هلنی- رومی در سرزمین های تحت اشغال خود گردید که ایران توسط جانشین بلافضل سلوکیان نیز اجرا گردید و در واقع پوشش آنها معانی نمادینی بسیاری در بر داشت.

پوشاک زنان اشکانی

قوم پارت با اقوام داهه که در حوالی خوارزم خراسان مستقر بودند پیوستگی دیرینه داشتند و به لحاظ مجاورت با بعضی طوایف سکایی و خویشاوندی با آنان همانند ایشان با بیابانگردی روزگار می گذراندند و این طرز زندگی موجب شد که آنان در طی قرن ها جنگ و گریز در صحراها ، فنون تیر اندازی و اسب سواری را فرا گیرند و اکثر آنان در سوار کاری و تیر اندازی ماهر بودند و این ویژگی زندگی آنان در نحوه لباس پوشیدنشان نیز تاثیر بسزایی داشته است. از روی نقش برجسته هایی که در این دوره از حالت نیم رخ به تمام رخ تغییر حالت داده بودند می توان بر ویژگی کامل های تن پوش ایرانیان در این دوره پی برد. مدل های تن پوش ایرانیان در این دوره مشخص تر می شود و به گفته بعضی از دانشمندان مانند (ارنست ویل) این هنر تحت تاثیر هنر یونان بدست آمده است مشخصاً" در رابطه با پوشاک زنان میتوان به این نکته پی برد که برخلاف هخامنشیان ، نقوشی که از زنان پارتی به جای مانده بخش عمده ای از آثار باقی مانده از دوران پارت ها را در برمی گیرد نقوش بسیار زیبا از تن پوش زنان اشکانی مبین آن است که آن ها توجه بیشتری به زیبایی و آراستگی زنانه نسبت به دوران ماقبل خود داشته اند، در دوران اشکانیان زنان تن پوشی کاملاً" متفاوت با مردان داشتند ، از این دو تشخیص آنان نیز آسان بود . زنان پارتی با شلواری چین دار و پیراهن های دراپه دار و بلندتر از تونیک مردان و کلاه ها و تاج هایی که بسیار متفاوت با دوران قبل از خود بود و چادر به صورت موارد زیر می باشد:

- 1) تونیک (پیراهن): زنان اشکانی از دو پیراهن که یکی از دیگری بلندتر بود، استفاده می کردند تونیک اول (زیری) پرچین و گشاد و بلند تر از پیراهن دومی (رویی) بود ب طوری که بر روی زمین کشیده می شد و آستین هایی تنگ داشت ، قسمت بالاتنه آن قلابدوزی شده و با نواری در قسمت سینه جمع می شده است ولی پیراهن رویی کوتاه تر از پیراهن زیری بود و یقه ای نسبتاً" باز و دراپه دار داشت و ساده و پرچین بود.(تصویر 17)



تصویر شماره 17

- (2) شلوار: شلوار زنان نیز مانند پیراهن هایشان پرچین بود و بلندی آن تا روی زمین ادامه داشت.
- (3) پوشش سر: الف- چادر و کلاه ب) تاج می شده است. (تصویر 18)



تصویر شماره 18

4) کفش : کفش های زنان بسیار ساده بود و پیراهن بلندشان بر روی آن می افتاد (تنها در نقاشی های معبد دورا-اورپوس است که کفش زنی مشاهده می شود ولی به احتمال قوی شبیه کفش مردان بوده است.

پوشاک زنان ساسانی

پادشاهی دوران ساسانی با اهدافی بر احیاء فرهنگی ایرانی قبل از اسکندر به وجود آمد و این امر را یراحتی می توان از روی آثار بدست آمده از این دوران در یافت و عناصر اصلی این امر را یراحتی می توان از روی آثار بدست آمده از این دوران در یافت و عناصر اصلی تن پوش ها در زمان ساسانیان همان ست که در دوره اشکانیان و مادها وجود داشته (همان پیراهن و شلوار) ولی در زمان ساسانیان پوشاک به طور کلی تزیینی تر شده است ، مرصع بودن کلاه ها و تاج ها و تنوع نقوش و جنس آنان از نکات بارز تن پوش ها و پیراهن ها می باشند در خصوص لباس زنان گفتنی است که زنان ساسانی از دراپه (حرکت ها یا چین های ملایم پارچه بر روی بدن) برای فرم دادن به تن پوش خود استفاده می کردند این ویژگی را در آثار متعدد باقی مانده از این دوره می توان مشاهده کرد در کاشی ها یا موزائیک ها و یا معرق های فرنگی کاخ بیشاپور زانی با پیراهن های بلند و گشاد و دراپه دار با آستین های بلند یا بدون آستین طراحی شده اند که گرچه ممکن است نمونه ایی از زنان رقصنده باشند ، ولی به لحاظ وجود چنین تن پوشی در سایر آثار باقی مانده ، می توان گفت که اکثر زنان ساسانی از چنین تن پوشی استفاده می کردند. (تصویر 19)



تصویر شماره 19

پیراهن یا تونیک چاکدار (چاک در جلو و پهلوها) نمونه دیگری از تن پوش یا پیراهن زنان این دوره می باشد، و تا نیمه ساق پا می رسید و قلابدوزی چاک های آن نیز از ویژگی های تونیک زنان این دوره می باشد که با شلوار پوشیده می شد.

شلوار زنان ساسانی که از روی آثار و نقوش حک شده در بشقاب های نقره کاملاً نمایان است که پیراهن و شلوار را با یکدیگر به تصویر کشیده اند. البته لازم به ذکر است که شلوار شاهدخت های ساسانی شبیه نقوش حک شده در نقش برجسته ها چین دار و موج می باشد در حالیکه تونیک و شلوار خدمه ساده و بدون نقش می باشند. (تصویر 20)



تصویر شماره 20

دهان بند در بشقاب نقره ایی حک شده می توان دو خدمه را مشاهده نمود که از دهان بند استفاده می کردند در واقع کاربرد دهان بند در حضور شاه احتمالاً ادامه رسوم رایج در دربار هخامنشیان است که خدمتکاران به هنگام صحبت با شاه دهان بندی می بستند و می توان نتیجه گرفت که تونیک بلند و شلوار مورد استفاده زنان متشخص نبوده است و خدمتکاران از این پوشش استفاده می نمودند. (تصویر 21)



تصویر شماره 21

شال: زنان ساسانی بر روی دوش و یا بازوان خود شال هایی می انداختند که مانند شال های زنان هندی دراز و بلند بوده و به طور مورب از روی شانه راست یا چپ می گذشت و تا پایین دامن ادامه داشت و زیبایی خاصی به اندام آن ها می بخشید کاربرد این شال ها احتمالاً "به موقعیت اجتماعی پوشنده آن بستگی داشت. (تصویر 22)



تصویر شماره 22

چادر و دستار:

بررسی های صورت گرفته بر روی بشقاب های نقره نشانگر آن است که چادر برای زنان ساسانی از عناصر مهم پوشش تن و سر بوده است گاهی به دور کمر می بستند البته در تاق بستان صحنه شکار گراز ها، زنان نوازنده ی چنگ دارای چادر و دستار می باشند که این نوع پوشش مربوط به طبقات پایین تر اجتماع است در واقع سبک پوشش زنانه در زمان ساسانیان برگرفته از سبک آشوری ، هخامنشی و یونانی بوده است و تنها پوشش سر کاملاً " نوآ وری ساسانیان بوده، وگرنه سبک پوشش ترکیبی از چند سبک مختلف از دوره های تاریخ باستان بوده است گرچه حکاکی های سنگی نشان می دهد که ردا نوعی لباس محبوب بود، دانشمندان مانند مری هیوستون 1954 در نوشته های دوره ای خود به لباس های بلند و گشاد اشرافی اشاره کرده اند این لباس ها به شخصی داده می شد که به او احترام بسیار گذارده می شد و با جواهرات بسیاری تزیین می شد و فقط توسط افراد دربار پادشاهی مورد استفاده قرار می گرفت. زنان ساسانی همچنین ظاهراً "علاقه خاصی برای بستن روبان بر روی سر، کمر و حتی کفش های خود داشتند ایران ، جاده اصلی برای ورود ابریشم بود، بنابراین پوشش زنان معمولاً" از جنس ابریشم ساخته می شد سایر مواد همچنین شامل پنبه ، پشم و کریشه (پارچه توری) بود هر کالایی که در طول جاده ابریشم داد و ستد می شد در دسترس بازرگان و درباریان پادشاهی ساسانی قرار داشت. (تصویر 23)



تصویر شماره 23

زنان سلطنتی ساسانی اغلب از گردنبندی که از سنگ های بزرگ دور آن تزئین شده بود استفاده می کردند قسمت های دیگری از لباس آنها از جمله دکمه های سردست و سجاف نیز غالباً با سنگ و گلدوزی تزئین می شدند. زنان نجیب غالباً گردنبندهای بسیار زیبا از منجوق استفاده می کردند. بعضی اوقات زنان با کمربندهایی به تصویر کشیده می شدند که در آن زمان رایج بود این کمربندها بیشتر شبیه شال یا روبانی پهن که غالباً به حالتی شل قرار می گرفته است به تصویر کشیده شده است. کفش بانوان ساسانی ساده بوده که ساق آن معمولاً تا قوزک پا امتداد داده می شد و از جلو دهانه تا سرپنجه، نواری از چرم دوخته شده بود. در ساخت کفش از دو نوار به شکل صلیبی استفاده می شد و گاه بر روی کفش های زنانه زیور آلات و تزئیناتی نیز استفاده می شده است که در نهایت زیبایی و تجمل خود نمایی می کرد.

پوشاک زنان در دوره صدر اسلام

آثار برجای مانده، حاکی از آنست که مدت زمانی پس از ورود اسلام، شیوه پوشش اواخر ساسانیان در ایران برای مدت زمانی کماکان استفاده می شد. اسناد نقاشی مانوی و دیواره نگاره های سغدی در پنجیکت در حوالی سمرقند و یا پارچه هایی که بر روی آنها نقش تنپوش ایرانیان تا حدودی مشخص شده و با مقایسه با بشقاب های فلزی دوره ساسانی وجه مشترکی را می توان میان آنها تشخیص داد و نتیجه گرفت که تنپوش ایرانیان در دوران اولیه اسلامی همان تن پوش عصر ساسانی بود (غیبی، 289:1385) در نقاشی های دیواری و مینیاتورهای مانویان در تورفان چین نمونه هایی از پوشاک ایرانیان را در دوران پس از ساسانیان تا قرن نهم میلادی می توان یافت آنچه که از مطالعه کتاب های مورخان و دانشمندانی چون ابن خلدون (قرن نهم ه.ق)، ابن اثیر (قرن ششم ه.ق) دزی و دیگران حاصل می شود، این است که زنان در شکل ظاهری لباس، چون چادر و مقنعه و غیره از رنگ سیاه استفاده می کردند و در برخی کتاب ها نیز از برنس سراسری که متمم بدن

را در برمی گرفت به عنوان پوشش رویی زنان سخن به میان آمده است(همان:284) برای یافتن نوع تن پوش زنان در دوره عباسیان شاید بتوان به تصاویر بافته های قبطی قرن 6 میلادی و بخشی از دیوارنگاره بالا لبق تپه مربوط به سده هفتم و برای زنان عادی به تصویر زن گوساله بر دوش ، یکی از دیوار نگاره های قصر جوسق الخاقانی در سامره استناد کرد که نزدیکترین مدرک بعد از دوره ساسانیان مربوط به اوایل دوره عباسیان می باشد زیرا در این تصویر مشخصات تن پوش های زنان دوره عباسی را آن گونه که نویسندگان چون طبری (قرن سوم ه. ق) ، دزی و دیگران وصف کرده اند مشاهده می کنیم. (تصویر 24)



تصویر شماره 24

پیراهن و شلوار ساده این زن که در قرن سوم هجری روی دیوار نقاشی شده هم اکنون در بسیاری از روستاهای ایران رواج دارد، البته توجه داشته باشیم که در این تصاویر نقشی از برنس های سراسری و مقنعه و چادر دیده نمی شود و تنها می توان به پیراهن و فرم یقه آن و پوشش سر اکتفا کرد. ولی بعد از سده های سوم و چهارم ، پوشاک زنان ایرانی تا پایان فرمانروایی عباسیان همان پوشش دوره سامانی تا ایلخانیان می باشد (همان : 285)

در دوره های متاخرتر یعنی در زمان سامانیان در طرح پارچه هایی که در ری کشف شده ، نمونه بارزی از پیراهن یک اشرافی را می توان یافت. اگرچه آنها را با تنپوش زن گوساله بر دوش در همین بخش مقایسه کنیم، می بینیم اصل برش پیراهن ها یکی است: تونیک یا پیراهن تا زیر زانو . تنها تفاوت آنها در تزیینات پیراهن و دم آستین گشاد و بازو بندها است. (همان 338-339) (تصویر 25)



تصویر شماره 25

در دوران سامانیان از مقنعه های سرخ و سیاه که ظاهراً حاشیه دوزی و نوار دوزی شده بود و برای حجاب استفاده می شد. نوع نیشابوری این مقنعه ها معروفتر از انواع دیگر آن بود. همچنین زنان از ازار، گونه ای چادر سراسری که تمام بدن را می پوشاند برای حجاب خود بهره می گرفتند. شلوارهای آنان عموماً گشاد و چیندار و بلند بود و در مچ پا جمع و تنگ می شد. در این دوران نوعی قبای گیلانی معروف به (اردیه طبری) معروفیت بسیار داشت. براساس یک نقاشی دیواری که زنی سغدی را نشان می دهد ما با لباس یک زن نوازنده که تقریباً مربوط به دوران سامانی است آشنا می شویم. او لباسی تنگ با آستین هایی بلند به تن دارد شنلی هم بر دوش انداخته است زنان این دوران جوراب های کوتاه و بلند نیز می پوشیدند و کفش هایی از نمد نقشدار و رنگارنگ و گاه زری دوزی شده و مرصع به جواهر به پا می کردند. لباس زنان دیلمی نیز تفاوتی با زنان همان دوره در نواحی خراسان و سیستان و عراق و بغداد نداشت. چادر زنان دیلمی سیاه بود و با پارچه ابریشمی نازک، روی چهره خود را می پوشاندند (چیت ساز، 1379:159)

پوشش زنان غزنوی

پوشش زنان در دوره غزنوی مشتمل بر پوشش های مفصل سر شامل تاج، کلاه، دستار، سربند، مقنعه و چادر بود. قبای زنان این دوره جلو بسته با یقه گرد و نسبتاً بسته بود. این قبا تا نیمه ساق پا می رسید اما نوع کوتاه تر و بلندتر آن نیز وجود داشت. آستین این لباس بلند و تقریباً چسبان بود. نوع دیگر قبا، جلو باز بود که گاهی لبه های آن را روی هم قرار می دادند و گاهی آن را به صورت باز می پوشیدند اما اکثراً آن را در محل کمر توسط شال می بستند این قباها دارای نقش بازو بند بود و دور تا دور لبه های آن نوار دوزی می شد نقوش این قباها گلدار، پیچکدار، نقوش اسلیمی، مخطط، خانه خانه، و مانند آن بود لباس رقاصه ها اندکی از لباس سایر زنان متفاوت بود. شلوار آنان در قسمت پایین زانوان شکافی داشت همچنین در قسمت باسن ایشان

نیز پارچه ای قرار گرفته بود. بر تن نوازندگان از دوره غزنوی نیز قبای مشابه سایر زنان مشاهده می شود آستین آنان دارای نقش بازوبند و در محل مچ دست دارای حاشیه دوزی بود. (تصویر 26)



تصویر شماره 26

پوشاک زنان دوره سلجوقی

مظاهر تمدن و فرهنگ دوره سلجوقی را می توان در جامه های نقاشی شده روی سفالینه ها در دوره سلجوقی و یا در کتاب به جا مانده از آن دوره که نسخه مصور شده (ورقه و گلشاه) است و یا تنپوش های مصور در دست نوشته های عبدالرحمن بن عمر صوفی به نام کتاب (صورالکواکب الثابتة) قرن چهارم هجری ه. ق جستجو کرد. قبا از پوششهای قابل توجه این دوره است در واقع قبا پیراهن بلندی بود که بر روی پیراهن کوتاه (تونیک) پوشیده می شد، قباها جلو باز بودند و بر روی آنها در محل کمر شال می بستند که نسبتاً دراز بود با حاشیه ای تزیینی. نقوش تزیینی درحاشیه قباها نیز وجود داشت که با حاشیه یا پیچ های تزیینی بناهای این دوره قابل مقایسه است. در اینجا با زهم تاثیر معماری را در تن پوش ها مشاهده می کنیم. احمد جام (536-440 ه. ق) به جبه سیاه زنان در آن دوره اشاره کرده است. شاید این جبه همان قبا و پیراهن رو باشد که احتمالاً از زیر چادر آنان پیدا بود یا نوعی بالا پوش سراسری مانند چادر که سرتا پای آنان را در برمی گرفت قبای غزنی به رنگ سفید در نوشته های احمد جام از انواع قبای زنان در دوره های اسلامی ذکر شده است. ارخالق نیز از جمله تن پوش هایی بود که زنان نوع ابریشمی آن را به عنوان نیم تنه رویین به کار می بردند. متین (1386:343) (تصویر 27)



تصویر شماره 27

پوشش زنان در دوره خوارزمشاهیان

با توجه به حضور زنان درباری در این دوره در نقش های مختلف می توان شاهد پوشش های مختلف جامعه بود در واقع در این دوره پوشاک زنان شامل سرپوش ، پیراهن ، شلوار و کفش بوده است ، سرپوش های این دوره شامل تاج ، کلاه ، دستار ، سربند و مقنعه یا چادر می باشد تاج و کلاه بیشتر جنبه تشریفاتی داشته و مخصوص ملکه و یازنان امرا و بزرگان بوده و با سنگ های قیمتی تزیین می شده است. زنان طبقات مرفه دستاری نسبتاً "بزرگ بر سر می بستند که از دو طرف به صورت عمامه پیچیده می شد. ادامه این دستارها گاه تا کمر هم می رسید سربندهای زنان نواری بود که به دور پیشانی بسته می شد و روی آن با سنگ ها و جواهرات تزیین می شد و با جقه ای در پیشانی آذین می گردید. (تصویر 28)



تصویر شماره 28

پوشش زنان در دوره ایلخانیان

پوشاک زنان در دوره ایلخانیان شامل چندین بخش می شده است اولین مورد سرپوش را در بر میگرفته :

سرپوش زنان مغول : کلاه از بخش های مهم پوشاک از منظر مغولان بود که استفاده از آن وجه تمایز میان زنان و دختران مغول بشمار می رفت. این کلاه از حصیر یا پوست درخت با فته شده بود . اندازه آن به درازای دو آرنج و بخش پایینی آن مربع شکل بود، در بالای آن میله نازکی از طلا ، نقره یا چوب قرار داشت که گاهی بر روی آن یک پر مرغ نصب می شد . این حصیر بافته برای نگهداری دستمال نازکی بود که از سر بر روی شانه ها می افتاد(کارپن 1363:34) نوع تجملی این سرپوش بوقتاق (بغطاق-بغتاق) نامیده می شد. (تصویر 29)



تصویر شماره 29

بوقتاق از جنس طلا و مرصع به جواهرات بود و پری از پرندگان گران قیمت ، نادر و کمیاب در بالای آن قرار داشت. ابن بطوطه ، بوقتاق را به صورت اقروقی مرصع به جواهر که در بالای آن یک پر طاووس نصب شده توصیف کرده است. (ابن بطوطه ، 401:ج1، 1370) . اقروف در کشور مغرب که موطن این سیاح است ، نوعی تاج از طلا ، مرصع به جواهر بود که زنان آن را به عنوان کلاه بر سر می گذاشتند (دزی، 1388:ذیل آخرواق) . بوقتاق زنان مغول گاه با ابریشم که به شکل گیسو بافته شده و مکلل گشته بود زینت می یافت (استر آبادی ، 1384:ذیل بغتاق) بوقتاق در دوره تیموریان هنوز در آسیای میانه پوشیده می شد (سیمز 1383:186) ، این سرپوش در تصویر که از جامع التواریخ که سیور قوقیتنی بیگی و دیگر همسران تولی را نشان می دهد بر سر خاتونان قابل مشاهده است. بوقتاق در فرهنگ مغول جایگاهی خاص و کاربردهایی ویژه داشت این سرپوش تاج ملکه به شمار می رفت و در روز تاج گذاری بر سر اولین همسر خان نهاده می شد، استفاده دیگر این سرپوش در زمانی بود که قوما- زن غیررسمی- بنابر شرایطی در ردیف خاتون ها قرار می گرفت و ارتقاء مقام می یافت. زنان مغول حداقل تا پایان سده هفتم ه. ق بی حجاب بوده اند(اشپولر، 1392:394)در نگاره ها بوقتاق بعد از اسلام آوردن ایلخانان مغول نیز همچنان بر سر خاتون های آن ها مشاهده می شود. ظاهراً " گرویدن به دین

اسلام تغییری در استفاده از این سرپوش سنتی ایجاد ننموده بود. البته لازم به ذکر است که زنان مغول هیچ گاه بدون سرپوش خارج نمی شدند و حداقل دستمالی بر سر می بستند. (اشپولر، 1392:443) در اواخر دوره ایلخانان چادر هم از پوشش های مهم زنان محسوب می شد که ادامه آن در مینیاتورهای دوره صفوی دیده می شود (غیبی 1387:373) چادر پوشش زنان شهر نشین و اکثراً به رنگ سفید بود (کلاویخو 1344:162) و البته بر سر کردن چادر سیاه نشانه خوبی به شمار نمی رفت.

به طور کلی می توان به این نکته توجه نمود که لباس زنان در دوره ایلخانی، چه لباس زنان مغول و چه لباس زنان ایرانی بسیار بلند بود به نحوی که در نگاره ها، شلوار و در برخی موارد حتی کفش زنان قابل رویت نیست هر چند که در ابتدا ورود به ایران تن پوش زنان مغول از پوست درست می شد و زنان طبقات بالای جامعه از پوست گران قیمت سنجاب استفاده می کردند در حالیکه زنان فرو دست از گول که پشمینه ای از گوسفند بود را برتن می کردند (معین، 1363: ج 3)، بعد از گسترش قلمرو آنان از ظرافت و زیبایی و تزئینات خاص برخوردار گشت اما شکل محدودی داشت، شکلی که وام گرفته از الگوی لباس های چینی با تزئینات مخصوص به فرهنگ چین بود.

پوشش زنان دوره تیموری

در دوره تیموریان، کم و بیش از سبک مغولی کاسته شد و سبک های ایرانی جای آن را گرفت، تن پوش های تنگ و چسبان جای ردهای گشاد پیشین را گرفتند. قبای رویی اغلب باز می ماند و بلندی پیراهن زیرین نمایان بود. کمر بند دوباره رواج یافت و عمامه جای کلاه سلجوقی را گرفت، پیراهن ها آستین بلند بود و تن پوش های رویی آستین کوتاه یا بی آستین بود. دستارهای زنانه نیز در این دوره ساده بود و گاه از پشت سر آویزان می شد. زنان در بیرون خانه چادر سفید بر سر داشتند که صورتشان را در پشت توری سیاهی بافته شده از موی اسب (پیچه) مخفی بود. نوع دیگر روینده نقابی کوچک و سفید بود که تنها دهان و چانه را می پوشاند. در این دوره بانوان درباری همچون دوره های قبل به منظور آراستن و زیباتر شدن از انواع جواهرات، گردنبندها، انگشترها، گوشواره و دستبندهایی که معمولاً از طلا یا نقره و عاج و... ساخته می شد در مهمانی ها و ضیافت ها استفاده می نمودند (راوندی، 1382:75) موهای زنان مغولی مانند دیگر زنان بلند و سبک آرایش آن ها ساده بود. تصاویر نقش بسته در نگاره های آن دوره، گویای تغییر سبک پوشش بانوان در دوره های مختلف عصر تیموری است. در برخی از تصاویر این عصر برای نمایش تن پوش ها، نگارگر با چنان ظرافت خاصی به نقاشی پرداخته که حتی نقوش پارچه ها به خوبی قابل رویت است. در واقع نمونه پوشش های برجسته زنان در دوره تیموریان می توان به ردا یا بالا پوش سبک مغولی و ردهایی بسیار بلند اشاره کرد که تا قوزک پا را می پوشاند. پوشاک زنان تیموری عموماً "حالت آزاد و گشاد دارد و به بدن نچسبیده است. از دیگر ویژگی های در خور ملاحظه در مورد پوشش زنان تیموری، پوشیدن لایه های مختلف رنگارنگ روی یکدیگر است. این سبک طوری تنظیم می شد که لایه رویی (نخستین لایه بیرونی) دارای حلقه دور گردن بازی بود، به ترتیبی که لایه های زیرین را به نمایش می گذاشت که در حقیقت غرض، نمایش پرشکوه طرح ها و رنگ ها در یک جا بود، سرپوش ها نیز بخشی از پوشش زنان تیموری محسوب می شوند که از تنوع برخوردارند و کاربرد تاج های مروارید نشان و مزین به پرهای رنگی در آن ها مورد توجه است.

کلاویخو ، سفیر اسپانیا ، شرحی از جامه زنان دربار تیمور نوشته است: (خانوم، همسر اصلی شاه تیمورروی لباس هایش شنلی از جنس ابریشم سرخ با گلابتون دوزی های طلایی می پوشید این لباس بسیار گشاد بود و دنباله بلندی داشت که روی زمین می افتاد، این شنل آستین نداشت و دامن آن در پایین بسیار گشاد می شد وجود پوشش سر ، که تا پشت می افتاد و گاهی همراه با کلاه مغولی مردان نیز آن را بر سر می گذاشتند و چهره های بیش از حد آرایش کرده با ابروانی که از بالای بینی به حالتی بسیار کمانی کشیده بود همگی بقایای سبک مغولی بودند. اما بطور کلی پوشاک زنان کم چین تر و موقرتر شده بود. آن ها عناصری از پوشاک مردان را نیز گرفته بودند برای مثال ، نیم تنه ای که تا روی زانوها می رسید ، دکمه ، بندینک ، و کمربند را شامل می شوند. اغلب پوشش های این عهد در جهت نمایش تجملات و تنوع چشمگیر تزئینات طراحی شده است به گونه ای که حتی تا چهار لایه رنگی بر روی هم قرار می گرفته و وجه تمایز آن ها علاوه بر تفکیک رنگی ، به مدد عناصری همچون دور سینه ، آستین ها و لبه پایینی نیم تنه ها آشکار می شده است. از نظر پوشش ف از بسیاری از جهات لباس زنان به لباس مردان شباهت داشت چنانکه مسافرانی که زنان و مردان مغولی را دیده بودند ، تفاوت چندانی را میان لباس آن ها ذکر نمی کنند، با این حال لباس زنان از ارزش و قیمت بالاتری برخوردار بود. (انصاری، پیام 89-102، 1393) (تصویر 30)



تصویر شماره 30

پوشاک زنان در دوره صفویه

لباس ها در اوایل دوره صفویه هنوز هم سبک دوره تیموری را تداعی می کرد، پوشاک اصلی زنان تا حدودی قابل تعویض بود . مگر سربندها و روبنده های زنان ، به استثنای طبقاتی نظیر مهتران و درویشان با وجود این

می توان گفت که سبک اصلی لباس زنان در طبقات مختلف ، با درجات مختلفی از ساده پوشی همراه بوده است. دوران سلطنت شاه عباس اول (1038-996 ه. ق / 1629-1588 م) مقارن با یکی از با شکوه ترین سده های تاریخ ایران بود ، که لباس های مجلل خود بیانگر آن است. اطلاعات بدست آمده از منابع مکتوب و سفرنامه ها ، دقیق تر است در این دوران زنان انواع زیر پوش های راه راه یا چهار خانه به تن می کردند و پیراهن را با زیر شلوارهای ساده یا راه راه جذاب که تا زمین می رسید ، می پوشیدند و گاهی یقه را با مروارید ، حاشیه دوزی می کردند. شاردن درباره پوشاک زنان در این دوره می نویسد : پوشاک ایرانی قد و قامت را بلندتر از لباس های اروپاییان نمودار می سازد و ارزان تمام می شود با وجود این ، کشوری وجود ندارد که در آن به قدر این سرزمین شکوه و تجمل ملبوسات اعم از مردان یا زنان ، بیشتر یا زیاده تر باشد. لباس زنان از بسیاری جهات همانند پوشاک مردان است. پیراهن را که قمیص می خوانند و کلمه شمیز از آن آمده است، از جلو تا ناف باز است. بالا پوش های بانوان بلندتر از کلیجه های مردان است ، چنانکه تا پاشنه پا می رسد. کمربندهای بانوان باریک است و یک شصت پهنا دارد. بانوان و نیز مردان ایرانی ، دستکش بر دست نمی کنند و در مشرق زمین مفهومی ندارد. تنبان همان طور تا به قوزک پا می رسد ولی ساق ها بلندتر و تنگ تر و ضخیم تر است. چون بانوان هرگز جوراب به پای خویش نمی کنند زنان با نیم چکمه ای پای خود را می پوشانند که تا چهار انگشت بالاتر از قوزک می رسد و آن یا کاردستی است و یا اینکه از منسوجات بسیار گران بها تهیه می گردد. (شاردن ، 133:222) به طور کلی پوشش زنان در دوره صفوی به سه بخش قابل تقسیم است که عبارتند از : پوشش سر ، پوشش تن و پوشش پا که هر یک از این ها نیز به نوبه خود دارای زیر شاخه می باشند: پوشش سر که شامل مقنعه ، روسری ، روبند ، دستمال سه گوش یا لچک ، پیشانی بند ، کلاه (2) پوشش تن : پیراهن (تونیک)، قبا ، کلیجه یا نیم تنه بلند ، شال کمر و کمر بند (3) پوشش پا : شلوار ، کفش ، جوراب ، مندرس شدن البسه باقی مانده از دوره صفویه به دلیل طبیعت فرسودنی ابریشم های ظریف و پنبه ها ، و همچنین از بین رفتن البسه ها به دلیل پاره کردن پوشاک سلطنتی سلاطین و شاهزادگان به منظور یافتن طلا و نقره به کار رفته در آن ها و همچنین بی اعتنائی به پوشاک سنتی آن دوره با ورود فرهنگ غربی باعث شده که دسترسی به تن پوش بانوان دوران صفویه مشکل باشد، و برای اطلاعات بدست آوردن از سفرنامه ها و نگاره ها استفاده نمود که در واقع به عنوان اسناد معتبر تلقی نمود. (تصویر 31)



تصویر شماره 31

پوشاک زنان در دوره افشاریه

در دوره نادر شاه افشار و خاندان او، از تجملات لباس ها کاسته شد و جامه ها فرمی ساده تر به خود گرفتند. از خصوصیات جامه های این دوره کوتاه شدن دامن، پیراهن ها، و قبا بود و همچنین فرم شلوار تنگ یا گشاد و جنس تزئینات آن نیز اهمیت بیشتری پیدا کرد و می توان گفت که در دوره افشاریه، حجاب و پوشش زنان همانند دوره پیش از آن بوده و زنان با پوشش کامل و چادر در اجتماع ظاهر می شدند. در کتاب (عالم آرای نادری) به مواردی بر می خوریم که گویای این مدعاست. (مروی، 1364، ج 3، ص 958) (تصویر 32)



تصویر شماره 32

پوشاک زنان در دوره زندیه

پوشاک زنان در دوره زندیه به این صورت بود که زنان پیراهن تنگی در بر می کردند که پارچه آن اغلب از نخ و ابریشم بود. یقه گرد (بدون یقه) که در وسط آن چاکمی بوسیله روبان یا دکمه در زیر گلو بسته می شد در مواقع احتیاج روی پیراهن، اغلب ارخالق (کت بلندی است که تا نصف بدن را می پوشاند) آستین سنبوسه یا کلیجه (کت بلندی که تا روی ران آن می رسید روی ارخالق می پوشیدند) آستین کوتاه می پوشیدند. زنان همچنین در این دوره مانند مردان، شلوار گشاد و بلندی که از پارچه های راه راه که بطور مورب دوخته می شد به پا می کردند و روی آن دامن گشاد و نسبتاً بلندی می پوشیدند که تا وسط ساق پا می رسید، آنان روی سر خود توری یا پارچه زیبایی را به طور آزاد انداخته و با زیور و زینت موهای خود را می آراستند. کفش آنها نعلین یا ساغری نوک برگشته بود که فقط اندکی از سر انگشتان پا در داخل آن قرار می گرفت. هم چنین از چارقد برای پوشش سر استفاده می کردند که گاه چارقد را در زیر چانه با جقه تزیین می کردند. آنان به هنگام

خروج از منزل نیز، زنان چادری به رنگ سیاه و سرمه ای یا رنگ تیره دیگر به سر داشتند و از روبنده برای پوشاندن خود استفاده می نمودند. (ورهام ، 60:1366)

گفتنی است لباس زنان در دوره زندیه عبارت بود از : پیراهن ، شلوار ، آرخالق، کلیجه، کلاه ، کفش ، چادر ، و و پیراهن خانم ها در دوره زندیه تنگ تر از مردان و از کتان ، پنبه و ابریشم بود. پیراهن که خیلی بالاتر از زانو بود ، جلویش باز بود ، این پراهن با بندهای متعدد و یا دکمه های زرین و سیمین روی سینه ها بسته می شد، کمربندی که روی پیراهن بسته می شد از چرم یا پارچه های معمولی و یا از ابریشم بود و معمولاً "ملیله دوزی" می شد. زنان از لباس های تنگ و چسبان استفاده می کردند تا هرچه بیشتر به رعنائی و قد آن ها بیفزاید و آن را لاغرتر نشان دهد. پوشیدن پیراهن نازک بدن نما در میان زنان رواج یافت و دامن پیراهن ها نیز کوتاه تر از دوره قبل شد. (نیبور، 177:1390)

شلوار: خانم های دولتمند (طبقات بالا) شلوار گشادتر می پوشیدند و چنان فاصله ای بین شلوار و ران و ساق پا با پنبه و یا شبیه به آن پر می شد که پاها به شکل گرز در می آمد. اگر جنس شلوار از پارچه های زربفت نبود ، آن را با نوارهای مختلف حاشیه دوزی می کردند. (همان 177:1390)

آرخالق: نیم تنه ای بود که زنان آن را روی پیراهن خود می پوشیدند و بازو بندهای جواهر نشان آن را تزیین می کردند. (غیبی 497:1385)

کلیجه: زنان دوره زند از کلیجه های آستین کوتاه بر روی پیراهن و شلوار خود می پوشیدند . در زمستان روی آرخالق کلیجه می پوشیدند و اغلب آستر آن را از پوست تهیه می کردند.

کمربند: زنان ثروتمند در قسمت جلو با یک سگک زرین و یا سیمین جواهر نشان بسته می شد. به جای کمربند، گاهی از شال و یا ابریشم استفاده می کردند. دلیل این کار علاوه بر زیبایی لباس بر بلندتر شدن و لاغرتر شدن اندام کمک می نمود.

کلاه: زنان عرق چین کوچکی را که با سنگ های قیمتی و یا سکه های مختلف زینت داده می شد، بر سر می گذاشتند گاهی به جای عرقچین ، شال ظریف و کوچکی بر سر می بستند که به شکل های مختلف به پشت و روی شانه ها می افتاد. گاهی نیز این شال به دور گردن پیچیده می شد یا روی فرق سر به صورت گلی بسته می شد برخی زنان زیر شال از کلاه کوچکی به نام لچک استفاده می کردند.

کفش: کفش های زنان در دوره زندیه از پارچه مخمل گلدوزی شده بود که با بایراق های طلایی یا ابریشمی تزیین می شد. فرم کفش ها به شکل ساغری های ساده مانند گالش و یا ساغری نوک برگشته بود. (دوویل، 58:1364)

لازم به ذکر است که در این دوره زنان طبقات دربار به دلیل ارتباط با بازرگانان اروپایی از سبک لباس اروپایی استفاده می نمودند اما زنان طبقه متوسط و پایین جامعه از لباس متفاوتی نسبت به زنان و مردان درباری استفاده می کردند. (تصویر 33)



تصویر شماره 33

پوشاک زنان در دوره قاجاریه

در عصر قاجار، شیوه پوشش زنان در محیط خانه و بیرون از آن متفاوت بود، لباس بیرونی خانم‌ها شامل چادر یک شکل و همانندی بود که سر تا پای زنان را کاملاً می پوشاند و معمولاً از پارچه های ابریشمی، پشمی، تافته و اطلس بود که به رنگهای سیاه، آبی پررنگ و آبی نیلی تهیه می شد. عموم زنان دیگر از پارچه های نخی راه راه یا گلدار استفاده می کردند که با دو شیوه دوخت از هم شناخته می شدند.

برروی این چادرها روبندی به منظور پوشاندن چهره استفاده می شد که پارچه های چهار گوش و مستطیل شکل بود و قسمت پوشش چشم ها را تور دوزی کرده بودند. این روبنده توسط قلاب هایی به پشت سر بسته می شد. چگونگی شکل و نوع این قلاب ها مشخص کننده طبقه اجتماعی فرد بود. (تصویر 34)



تصویر شماره 34

به طور کلی می توان پوشش زنان قاجار در درون خانه به لحاظ تاریخی به سه دوره تقسیم کرد:

دوره اول، از ابتدای دوران قاجار تا مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ

دوره دوم، از مسافرت ناصرالدین شاه تا پایان عصر ناصری و ابتدای دوره ی مظفری

دوره سوم، از ابتدای دوره ی مظفری تا پایان دوره ی قاجار

دوره اول که شامل ابتدای دوره قاجار تا مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ :

لباس زنان در این دوره پیراهن کوتاه بدون یقه ای تشکیل می داد که جلوی آن باز و دکمه های زرین و مروارید نشان زینت بخش آن بود. نزد خانواده هایی که از ثروت کافی برخوردار بودند، این دکمه ها از طلا و مروارید بود. نوع پارچه ابریشمی بود که گاه چندین رشته مروارید به دوره یقه دوخته می شد. معمولاً "پیراهن ها را شلوار ی گشاد مانند شلوار مردان و نیم تنه ای کوتاه ارخالق تکمیل می کرد. بر روی آن چاپکین می پوشیدند که عبارت بود از پیراهن بدون یقه ای که جلوی آن باز بود و در زیر کمر، از چپ به راست دکمه می خورد. پوشش سر را نیز پارچه ای به شکل سه گوش تشکیل می داد که به آن (چارقد) می گفتند و از انواع آن می توان به دو نمونه چارقد (قالبی) و (آفتاب گردانی) اشاره کرد.

دوره دوم، از مسافرت ناصرالدین شاه تا پایان عصر ناصری و ابتدای دوره مظفری:

مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ و روسیه و دیدن بالرینهای (سن پیترزبورگ) که شلوار بافته چسبان و نازکی به پا می کردند و دامن های بسیار کوتاهی به اندازه یک وجب روی آن می پوشیدند، شاه را برآن داشت که زنان حرم خود را به پوشیدن این نوع لباس تشویق کند. و زنان حرمسرا را واداشت تا چاقچورها (شلوار بلند

پوشاک زنان در دوره پهلوی

لباس افراد در دوره پهلوی با ورود اجناس و البسه گوناگون اروپایی و حضور خیاطان و طراحان فرانسوی و تقلید از آنها کم کم باعث تغییراتی مهم در وضع لباس و پوشاک ایرانیان خصوصاً "زنان شد. به این ترتیب که از طول و عرض چادر کاسته شد و چاقچور و روبنده در میان جوانان از بین رفت و شلوارهای کشی تبدیل به جوراب های ساقه بلند ماشینی شد، پیراهن و شلیته و شلوار و چادر کمری جای خود را به پیراهن های بلند یک تکه که بلندی آن بر حسب مد روز تغییر می کرد، دادند و به جای ارخالق و نیم تنه ، کت و ژلیت و بلوز به طرز دوخت اروپایی معمول شد و پارچه های زری و مخمل و تور ، به کرپ و ساتن و کرپ دشین و ژرژرت و تغییر یافت.

اگرچه اغلب زنان ، هنوز از لباس های دوره قاجار ، شامل چاقچور ، چادر و روبنده ، استفاده می کردند، اما برخی از زنان تحصیل کرده ، گاه به جای چادر و روسری ، کلاه بر سر می گذاشتند. لباس های به سبک غربی میان زنان شیوع بسیار یافت. پوشیدن شلوارهای جین میان دختران که اغلب با پیراهن ساده همراه بود لباس زنان این دوره را تشکیل می داد.

نتیجه گیری

با مطالعه و بررسی در روند شکل گیری پوشاک زنان در طی هزاران سال در ایران ، می توان به این نکته پی برد که در واقع پوشاک به نوعی گویای اهمیت بسزای آن در زندگی انسانها علی الخصوص زنان می باشد که علاوه بر جنبه پوشیدگی و آراستگی ، خود وسیله ای به منظور بیان جایگاه و موقعیت اجتماعی زنان در جامعه بوده است. البته ذکر این نکته حائز اهمیت می باشد که فرم و نحوه دوخت و جنس لباسهای زنان در دوره های مختلف در عین دارا بودن تفاوت های ظاهری ، دارای یک شکل و فرم کلی می گردند که تا دوره قاجاریه این فرم به روند تکامل و شکل گیری خود ادامه می دهد و همواره تاکید فراوان بر پوشش ظاهری با توجه به باورهای مردمان در مقاطع مختلف زمانی بوده است.

منابع و ماخذ

- 1) ایزاک ، ژول " تاریخ ملل و شرق یونان " ، ترجمه عبدالحسین هژیر، سال چاپ 1363، انتشارات علمی
- 2) غیبی ، مهر آسا " هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی " سال چاپ 2006، انتشارات هیرمند
- 3) مجید زاده ، یوسف " تاریخ و تمدن ایلام " ، سال چاپ 1370، ناشر مرکز نشر دانشگاهی
- 4) لور ، جیمز " فشرده تاریخ لباس " مترجم منظر محمدی ، ناشر مشکی
- 5) ضیاء پور، جلیل " پوشاک زنان ایران از کهن ترین زمان تا آغاز پهلوی " ، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر ،
آبان 1347
- 6) بیانی ، شیرین " تاریخ ایلام " ، تهران ، فروردین 1349
- 7) زندی ، ناهید " شمایل نگاری پیکرکهای زنان در دوره ایلام میانی " ، انتشارات سنجش و دانش ، دی
1398
- 8) متین ، پیمان " پوشاک ایرانیان " ، تهران دفتر پژوهش های فرهنگی 1396
- 9) بابایی ، پروین " پوشاک زنان در دوره هخامنشی ، مرکز دایره المعارف اسلامی
- 10) کالج ، مالکوم " اشکانیان (پارتیان) ، ترجمه رجب نیا ، تهران انتشارات هیرمند 1380
- 11) چیتساز ، محمد رضا " تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول ، تهران سازمان مطالعات و
تدوین (سمت) ، 1379
- 12) کارپن ، پلان " سفرنامه پلان کارپن در سال 1245 میلادی " ، مترجم ولی الله شادمان ، انتشارات یساولی
، تابستان 1363
- 13) ابن بطوطه ، " سفرنامه ابن بطوطه " ، مترجم محمد علی موحد، انتشارات آگاه چاپ پنجم ، جلد 1 ،
1370
- 14) دزی ، راینهارت پیترآن ، " انتشارات البسه مسلمانان " ، ترجمه حسینعلی هروی ، تهران چاپ سوم ، بنگاه
ترجمه و نشر کتاب
- 15) استرآبادی ، میرزا مهدی خان " فرهنگ ترکی به فارسی سنگلاخ " ، چاپ دوم تهران نشر مرکز
- 16) معین ، محمد " فرهنگ فارسی " ، جلد سوم ، چاپ ششم ، تهران ، موسسه انتشارات امیر کبیر 1363
- 17) اشیولر، برتولد " تاریخ مغول در ایران ، سیاست ، حکومت ، فرهنگ دوره ایلخان " ، مترجم مسعود
میرآفتاب ، چاپ دهم ، تهران ، شرکت انتشارات علمی فرهنگی
- 18) سیمز ، الینور ، " دوره مغول و تیموریان " ، زیر نظر احسان یار شاطر ، ترجمه پیمان متین ، پوشاک در
ایران زمین (از سوی مقالات دانشنامه ایرانیکا) ، چاپ دوم ، تهران ، موسسه انتشارات امیرکبیر، صفحات 177
تا 189
- 19) راوندی ، مرتضی " تاریخ اجتماعی ایران " ، تهران امیر کبیر 1347
- 20) انصاری یکتا ، مریم . احمدی پیام ، رضوان " بررسی تطبیقی پوشش زنان تصویر شده در شاهنامه
بایسنقری و شاه طهماسبی " ، مجله زن در فرهنگ و هنر ، دوره 6 ، شماره 4 ، زمستان 1393
- 21) نیپور ، کارستن " سفرنامه نیپور " ، مترجم پرویز رجبی ، انتشارات ایران شناسی ، تهران 1390

- 22) پاکباز ، رویین " دایره المعارف هنر " ، تهران 1385 ، انتشارات فرهنگ معاصر
- 23) کلاویخو ، گونزالس " سفرنامه کلاویخو " ، مترجم مسعود رجب نیا ، تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- 24) شاردن ، ژان " سفرنامه شاردن " ، مترجم اقبال یغمایی ، انتشارات توس ، 1393
- 25) مروی محمد کاظم ، ریاحی دکتر محمد امین ، " کتاب عالم آرای نادری " ، ناشر کتاب فروشی زوار
- 26) ورهرام ، غلامرضا " تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران عصر زند "، انتشارات معین ، تهران 1366
- 27) دروویل ، گاسپار " سفر در ایران " ، مترجم منوچهر اعتماد مقدم ، انتشارات شبانویز ، تهران 1364
- 28) آرامی ، افشین " پوشاک در دوره قاجار
- 29) یار شاطر ، احسان " پوشاک در ایران زمین " ، مترجم پیمان متین ، تهران 1382
- 30) نجمی ، ناصر " تهران عهد ناصری " تهران ، عطار ، 1370
- 31) جنکینز ، ریچارد ، " هویت اجتماعی " ، مترجم تورج یار احمدی ، تهران ، نشر شیرازه 1381

Bibliography

1) wikipedia.org

- 2) Kadoi, ruka(2009),Islamic chinoiserie the art of mongol Iran , Edinburg university
- 3) Apers, p. Godart f.(2013)."sociology of fashion : order and chang", Annual Review of sociology , vol. 39 , pp171- 192
- 4) Sims ,Eleanou, (2002). Peerless Images ,Persian painting and its sources, yale university press
- 5) Reinhart Pieter Anne Dozy (1820-1884) " Histoire des musulmans d' Espagne t.2/4(French)